



برخورد نادرست «میبدی» با تأویل، از انتقادات وارد به تفسیر «کشف‌الاسرار» اوست

برخورد نادرست «رشیدالدین میبدی» با تأویل، یکی از مواردی است که می‌توان با توجه به آن، تفسیر «کشف‌الاسرار» او را مورد نقد قرار داد. فرو رفتنش در مکتب اهل حدیث او را به چنان افراطی کشانده بود که حتی عقیده‌ای مانند تجسیم را می‌پذیرفت.

در مورد تفسیر «کشف‌الاسرار» باید گفت که آگاهی‌های دقیق و زیادی از زندگی مؤلف تفسیر کشف‌الاسرار در دست نیست. «ابوالفضل احمد بن ابی‌سعید بن محمد بن احمد بن مهریزد میبدی» نام کامل اوست که در شهر میبد متولد شده است. براساس اطلاعاتی که «ایرج افشار» ارائه کرده است، وی فرزند «جمال‌الاسلام ابی‌سعید بن احمد بن مهریزد»، متوفی 480 هـ.ق. است. القاب او «شیخ‌الاسلام»، «رشیدالدین» و «فخرالاسلام» است.

تفسیر آیه 10 سوره فتح و یا آیه 5 سوره طه از نمونه ایاتی است که میبدی با تأکید بر معنای ظاهری چنین آیاتی ما را با اشکالت متعددی مواجه می‌کند؛ اگر چه این شیوه غالباً در تفسیری وجود دارد؛ اما بدون شک نمی‌توان از روش تفسیری مفسر عارفی چون میبدی سخن گفت، ولی به نکته مذکور توجه نداشت

او از دانشمندان به نام و مورد احترام جامعه خویش بوده است. برخی بر این باورند که وی در هرات زندگی می‌کرده و از فیض محضر و درس تفسیر و عرفان پیر هرات، خواجه عبدالله انصاری هروی بهره‌مند شده است، اما به دلیل آن‌که در هیچ‌جا خود میبدی به چنین نکته‌ای اشاره نمی‌کند، بنابراین قبول این سخن اطمینان‌آور به نظر نمی‌رسد. براساس آن‌چه درباره او گفته‌اند و نوشته‌اند، این نکته را هم باید افزود که میبدی از واعظان و مجلس‌گویان عصر خود به شمار می‌آمد. از تاریخ وفات این عارف، اطلاعی در دست نیست و مزار او هم معلوم نیست. کشف‌الاسرار از شاه‌کارهای مهم عرفان و ادب فارسی است. میبدی در این بخش به تأویل آیات قرآن پرداخته است. به تعبیر خود او روش او بر لسان اهل اشارت و بر ذوق جوانمردان طریقت است. بیان اشارات و لطایف قرآنی در قالب بخشی خاص، بیان‌گر حسن سلیقه مفسر و نیز تفاوت تفسیر و تأویل از نظر اوست. تفسیر عرفانی در کشف‌الاسرار از چنان بلندایی برخوردار است که به تعبیر یکی از محققان، «گل‌گشتی است جان‌فزا از ذوق و کلام و حال و احوال عارفان و مشایخ، دریایی است آرام که آسمان زیبای اندیشه عرفان را در آینه زلال خویش می‌نماید و در ژرفای آن در دانه‌های شعر و شعور موج می‌زند.»

ویژگی‌های اساسی بخش سوم تفسیر «کشف‌الاسرار» را می‌توان در نثر آهنگین این تفسیر دانست که با هدف بازشناساندن هر چه بیشتر زیبایی‌های خود قرآن کریم قوام یافته است، از وجوه ممتاز این تفسیر به شمار می‌رود. این مفسر هر جا که بیت یا ابیاتی را در توضیح مقصود، مؤثر و مناسب مقال تشخیص داده است، از آوردنش دریغ نکرده که خود این، لطف و زیبایی آن را مضاعف ساخته است.

از ویژگی‌های دیگر این نوع تفسیر، تفسیر آیات قرآن، بر مذاق و مشرب عارفان و صوفیان است. او گفتارهای فراوانی از ارباب بصیرت آورده است. تکیه اصلی کلام او، سخنان، افادات و افاضات پیر هرات، خواجه عبدالله انصاری است. البته از دیگر مشایخ و عارفان نیز سخنانی را می‌آورد؛ اما بیشتر عبارات این بخش مستفاد از کلام این پیرو مرشد است که میبدی به او سخت عشق و ارادت می‌ورزیده است.

روش میبدی این گونه است که یکی از آیاتی را که قبلاً ترجمه و تفسیر کرده و مضمونش مناسب با مباحث عرفانی است گزینش کرده و با توجیهات صوفیانه و ذوقی با نثری مسجع و موزون در اطرافش قلم فرسایی می‌کند. در این بخش است که خواننده مطالبی ذوق‌پسند و لطایف شیرین و اشعاری از بزرگان عارف هم‌چون «سنایی» را ملاحظه می‌کند. ویژگی سوم این بخش وجه تمایزی است که با تفسیر به معنای مصطلح آن دارد. در توضیح این مطلب باید گفت که اگر بتوان بین اشارات و لطایف قرآنی که میبدی به زعم خود به ذوق جوانمردان طریقت ارائه می‌کند، با تأویل مذموم تمایز قائل شد، این تفاسیر در حکم ذوقیات لطیفی خواهد بود که این تفسیر را در مقایسه با دیگر تفاسیر عرفانی به نوعی، رجحان و برتری بخشیده است.

مثلاً میبدی در تعریف مفهوم قرب از نظر خواجه عبدالله انصاری می‌گوید که پیر طریقت گفت: «اگر مردمان نور قرب ببینند، همه بسوزند و زخارف نور قرب در خود ببیند بسوزد. علم قرب در میان زبان و گوش نگنجد که آن راهی تنگ است و از همراهی آب و گل، زبان قرب را تنگ است هرگه که قرب روی کرد، عالم و آدم را چه جای درنگ است تا با تو تویی، ترا بدین حرف چه کار کین عین حیاتست و ز عالم بیزار.»

و یا مثلاً در تعریف عارف و غیر عارف می‌نویسد: «ار مزدور را بهشت باقی حظ است، عارف از دوست در آرزوی يك لحظه است. از مزدور در بند زبان و سود است. عارف سوخته به آتش بی دود است. ار مزدور از بین دوزخ در گداز است. سر عارف سرتا سر همه ناز است.» و یا در معنای امید عارف می‌نویسد: «هر کس را امیدی و امید عارف دیدار. عارف را بی دیدار نه به مزد حاجت است، نه با بهشت کار. همگان بر زندگانی عاشق‌اند و مرگ بر ایشان دشوار، عارف به مرگ بهشت کار، همگان بر زندگانی عاشق‌اند و مرگ بر ایشان دشوار، عارف به مرگ بهشت کار، همگان بر زندگانی عاشق‌اند و مرگ بر ایشان دشوار، عارف به مرگ محتاج است و بر امید دیدار، گوش به لذت سماع برخوردار، لب حق مهر را وام گذار، دیده آراسته روز دیدار، جان از شراب وجود مستی خمار.»

میبدی عارف و اهل ذوق است و بر آن است که آیات را بر مذاق صوفیان تفسیر کند. عده‌ای معتقدند که ارزش ادبی و ذوقی کتاب بر ارزش تفسیری آن در این بخش مقدم است. تأویلات او گاه متکلفانه و بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا با قصد تأیید مکتب تصوف صورت گرفته است

میبدی عارف و اهل ذوق است و بر آن است که آیات را بر مذاق صوفیان تفسیر کند. عده‌ای معتقدند که ارزش ادبی و ذوقی کتاب بر ارزش تفسیری آن در این بخش مقدم است. تأویلات او گاه متکلفانه و بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا با قصد تأیید مکتب تصوف صورت گرفته است. میبدی در زمانی زندگی می‌کرد که مجادلات مذهبی به شدت رواج داشت و هر فرقه‌ای برای اثبات حقانیت خود از مدارک شرعی مانند آیات قرآن و یا حدیث کمک می‌گرفت و بر آن بود تا عقاید خود را اثبات کند.

میبدی نیز، اگر نگوئیم در همه مواضع، دست‌کم در برخی مواضع تفسیر خود، آیات را به منظور تطبیق با اصول عرفان و تصوف به کار گرفته است. آن‌چه که در بخش تفسیری «کشف‌الاسرار»؛ به چشم می‌خورد گواه روشنی است بر این‌که منقولات و احادیث برای میبدی از اصالت و اعتبار درجه اول برخوردار است. استفاده از روایت برای تبیین معنا و مقصود يك آیه طبعاً ارزش‌مند و مفید ارزیابی می‌شود، چون سنت مفسر قرآن است.

اما نکته‌ای که نباید از ذکر آن غفلت ورزید، وجود روایات ضعیف و یا مجعولی است که در تفاسیر راه یافته و از اصالت و ارزش آن‌ها به شدت کاسته است. همچنان‌که گفته شد،

احادیث صحاح یا به قول خود او «ثقات» برای میبیدی مهم است و به کار تفسیر می‌آید، اما مروری بر روایات کتاب یا مواضع داستانی این تفسیر و نیز مقایسه آن با دیگر تفاسیر، نشان می‌دهد این ادعا واقعا بی دلیل و جنبه‌های ارزیابی، نقد و گزینش حدیث در این تفسیر بسیار ضعیف است. او چونان یک فقیه محقق نیست که پس از نظر در سلسله اسناد حدیث و تنقیح آن، به ذکر خبر بپردازد. بسیاری از اخبار او در ترازوی خرد، وزنی ندارد و با موازین علم درایت و یا قواعد رجالی، انتسابشان به پیامبر(ص) درست به نظر نمی‌رسد.

برخورد نادرست میبیدی با تأویل، یکی دیگر از مواردی است که می‌توان با توجه به آن، این تفسیر را مورد نقد قرار داد. فرو رفتنش در مکتب اهل حدیث او را به چنان افراطی کشانده بود که حتی عقیده‌ای مانند تجسیم را می‌پذیرفت. او خود اعتراف می‌کند که جزو اصحاب حدیث بوده که ویژگی آن گرایش به ظواهر و اجتناب از تأویل‌جویی است. بدیهی است چنین نگرشی در برخورد با آیات قرآن مردود است. این رویه به معنای تعطیل کردن قوه عقل است. ضرورت تأویل برخی آیات متشابه از طریق ارجاع به آیات محکم بر هیچ خردمندی پوشیده نیست.

مثلا تفسیر آیه 10 سوره فتح «إِنَّ الَّذِينَ يُتَابِعُونَكَ إِنَّمَا يُتَابِعُونَكَ لِتَأْتِيَهُمُ الْفَتْحُ مِنْ فَوْقِ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمُتَّابٌ عَلَيْهِ أَجْرًا عَظِيمًا» در حقیقت کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند. دست‌خدا بالای دست‌های آنان است، پس هر که پیمان‌شکنی کند تنها به زیان خود پیمان می‌شکند و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد.» و یا آیه 5 سوره طه از نمونه این آیات است. تأکید بر معنای ظاهری چنین آیاتی ما را با اشکالت متعددی مواجه می‌کند؛ اگر چه این شیوه غالباً در تفسیری کشف الاسرار وجود دارد؛ اما بدون شک نمی‌توان از روش تفسیری مفسر عارفی چون میبیدی سخن گفت، ولی به نکته مذکور توجه نداشت.*

*منابع: پژوهشی در جریان‌شناسی تفسیر عرفانی، محسن قاسم‌پور، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری ثمین؛ تفسیر و مفسران، محمدهادی معرفت.